

میری، انیس؛ شریف مقدم، هادی؛ سلامی، مریم (۱۳۹۸). وضعیت حضور اعضای هیئت علمی رشته علم اطلاعات و دانش شناسی در شبکه‌های اجتماعی علمی. پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۹(۱)، ۴۶-۵۸.



وضعیت حضور اعضای هیئت علمی رشته علم اطلاعات و دانش شناسی در شبکه‌های اجتماعی علمی^۱

انیس میری، هادی شریف مقدم^۳، مریم سلامی^۴

DOI: [10.22067/riis.v0i0.73298](https://doi.org/10.22067/riis.v0i0.73298)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۲۲

چکیده

مقدمه: ظهور و گسترش استفاده از اینترنت، پارادایم جدیدی از ارتباطات و تعاملات گروهی به وجود آورده است که شبکه اجتماعی خوانده می‌شود. شبکه‌های اجتماعی به دو گروه عمومی نظیر فیسبوک، توییتر و ... و شبکه‌های تخصصی نظیر: ریسرچ گیت، مندلی و آکادمیا تقسیم می‌شوند. مقاله حاضر، با هدف تبیین دیدگاه اعضای هیئت علمی درباره فعالیت در شبکه‌های اجتماعی تدوین شده است.

روش شناسی: این مطالعه کیفی بود که با روش تحلیل محتوا انجام شد. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه ساختار یافته بود و معیار اصلی پژوهشگر در خصوص تعداد مصاحبه‌ها رسیدن به اشباع نظری بود.

یافته‌ها: تحلیل حاصل از داده‌ها، منجر به استخراج ۳ طبقه اصلی شامل زمینه‌ها (تعامل ارتباطی، جستجوی دانش، اشتراک دانش) چالش‌ها (کمبود وقت، عدم آگاهی و مهارت) و الزامات (مدیریت دانش شخصی، حمایت دانشگاه، فعالیت تشکلی‌های علمی، حمایت دولت) و ۱۱ زیر طبقه و ۵۷ طبقه اولیه گردید.

نتیجه‌گیری: فعالیت اعضای هیئت علمی رشته علم اطلاعات و دانش شناسی در شبکه‌های اجتماعی علمی نیازمند بررسی مشکلات و از بین بردن موانع و کسب مهارت‌های لازم برای حضور اساتید در این شبکه‌هاست.

کلید واژه‌ها: شبکه‌های اجتماعی علمی، اعضای هیئت علمی، مدیریت دانش شخصی.

مقدمه و بیان مسئله

۱. مقاله حاضر، برگرفته از پایان نامه دکترای رشته علم اطلاعات و دانش شناسی می‌باشد.

۲. دانشجوی دکترای علم اطلاعات و دانش شناسی پیام نور، anismiri1352@gmail.com

۳. استاد گروه علم اطلاعات و دانش شناسی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)، sh_mogadam@pnu.ac.ir

۴. دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش شناسی دانشگاه پیام نور، salamilib@yahoo.com

امروزه با گسترش کاربردهای فناوری اطلاعات و ارتباطات در زندگی روزمره شاهد شکل‌گیری نسل جدید از ابزارهای اینترنتی هستیم که امکانات بی‌شماری را برای روابط متقابل، مذاکره، گفتگو و به طور کلی ارتباط دوسویه فراهم آورده است. از جمله این ابزارها، می‌توان به شبکه‌های اجتماعی مجازی اشاره کرد. شبکه اجتماعی، مجموعه‌ای از خدمات مبتنی بر وب است که این امکان را برای اشخاص فراهم می‌آورد که توصیفات عمومی یا خصوصی برای خود ایجاد کنند و از این طریق، با دیگر اعضای شبکه ارتباط برقرار کنند، خود را به دیگران معرفی کنند و اطلاعاتشان را به اشتراک بگذارند. با حضور در شبکه‌های اجتماعی، افراد می‌توانند ارتباط خود با دیگران را حفظ کرده و همچنین، ارتباط‌های اجتماعی جدیدی را شکل دهند. در یک دسته بندی کلی می‌توان، شبکه‌های اجتماعی را به دو گروه عمومی و شبکه‌های تخصصی تقسیم بندی کرد. شبکه‌های اجتماعی علمی جزو شبکه‌های تخصصی محسوب می‌شوند و می‌توانند قابلیت‌های اساسی را برای فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی محققان ارائه کنند. این شبکه‌ها، بر پایه شبکه‌های اجتماعی عمومی راه‌اندازی شده‌اند و ساز و کاری شبیه به شبکه‌های اجتماعی عمومی دارند و تفاوت عمده آنها در تخصصی بودن است. در شبکه‌های اجتماعی علمی می‌توان به جای دنبال کردن هنرمندان، ورزشکاران و دوستان، فعالیت‌های تحقیقاتی اساتید دانشگاهی و محققان برجسته را دنبال کرد. این مسئله باعث می‌شود تا افراد، در جریان آخرین دستاوردهای تحقیقاتی در حوزه‌های مشخص و مورد علاقه قرار گیرند (ثلول و کوشا، ۲۰۱۴). این نوع شبکه‌های اجتماعی، مجراهای اطلاع‌یابی را جهت آموزش، متنوع و گسترده می‌سازند؛ به گونه‌ای که افراد می‌توانند بدون صرف وقت و هزینه با متخصصان و پژوهشگران رشته‌های مختلف در تعامل باشند و اطلاعات و دانش مورد نیاز خود را سریع‌تر و آسان‌تر به دست آورند. امروزه با افزایش حجم متون علمی پژوهشگران نیازمند روزآمدسازی دانش در حوزه‌های تخصصی خود هستند و تمایل پژوهشگران به استفاده از رسانه‌های اجتماعی علمی که امکان طبقه‌بندی، به اشتراک‌گذاری و تفسیر اطلاعات علمی را فراهم می‌کنند بیشتر شده است (لی‌آو همکاران، ۲۰۱۲). فعالیت در شبکه‌های اجتماعی علمی به افزایش تبادل اطلاعات تخصصی و بهره‌گیری از خرد جمعی و در نتیجه ارتقای علم منتهی می‌شود. از دیگر مزایای فعالیت در این شبکه‌ها، رویت‌پذیری مقالات و تولیدات علمی اعضاست و این در حالی است که میزان رویت‌پذیری تولیدات علمی از شاخص‌های تعیین‌کننده توسعه علمی در کشورها محسوب می‌شود (بوید و

1. Telwall and Kousha

2. Iae

الیسون (۲۰۰۷). امروزه، با وجود افزایش تعداد مقالات منتشر شده از سوی اساتید دانشگاه‌های کشور، میزان تاثیر گذاری آنها در سطح جهانی کمتر از حد انتظار است. و این در حالی است که اعضای هیئت علمی می‌توانند با استفاده از قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی علمی، دانش خود را به اشتراک بگذارند و جایگاه علمی خود و در نتیجه دانشگاه‌های کشور را در سطح منطقه و جهان ارتقاء ببخشند؛ همچنین، حضور پژوهشگران و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در این فضاها می‌تواند به گسترش تاثیر گذاری علمی و افزایش استناد به تولیدات علمی آنها بیانجامد. اما به نظر می‌رسد؛ این فناوری جایگاه خود را آن چنانکه باید در بین اساتید دانشگاه‌های کشور باز نکرده است و از این رو انتظار می‌رود؛ پژوهشگران به بررسی چرایی حضور کم‌رنگ اساتید ایرانی در شبکه‌های اجتماعی علمی بپردازند تا چنانچه موانعی در این مسیر هست، این موانع مشخص گردیده و راهکارهای عملی برای برداشتن موانع ارائه شود؛ لذا در این پژوهش، برآیم؛ ضمن تبیین دیدگاه اعضای هیئت علمی رشته علم اطلاعات و دانش شناسی به این سوال که چه موانعی در مسیر فعالیت اعضای هیئت علمی در شبکه‌های اجتماعی وجود دارد؛ پاسخ گوئیم.

پیشینه پژوهش

در پژوهشی که با هدف بررسی نحوه شناخت، درک و استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی عمومی در بین دانشجویان دوره کارشناسی ارشد انجام شد؛ دریافتند که فیس بوک محبوب‌ترین شبکه اجتماعی مجازی در بین ۸۶ درصد دانشجویان است و هدف اصلی اکثر دانشجویان در پیوستن به این شبکه‌ها، تفریح و سرگرمی است. دانشجویان از امکانات و ویژگی‌های منحصر به فردی که این شبکه‌ها دارند بی‌اطلاع هستند یا تمایلی به استفاده از آنها ندارند. منفی‌ترین اثر ناشی از شبکه‌های اجتماعی مجازی صرف زمان زیاد در این شبکه‌ها است که می‌تواند به روند تحصیلی آنها آسیب برساند. اطلاع رسانی در خصوص استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و آثار مختلف آن می‌تواند علاوه بر جلوگیری از رکود تحصیلی در بهره‌گیری بهتر از این شبکه‌ها کمک کند.

حریری و عنبری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به مطالعه نقش شبکه‌های اجتماعی تخصصی وبی فارسی در فرایند اشتراک دانش پرداختند. بر اساس نتایج این پژوهش، به طور کلی، عملکرد شبکه‌های اجتماعی تخصصی داخلی در رفع نیاز اطلاعاتی کاربران، ترغیب آنان به مشارکت دانش، جلب اعتماد و اطمینان آنها، تأثیر در ارتقای سطح دانش تخصصی و افزایش تعاملات این کاربران، متوسط رو به پایین ارزیابی

شد. کاربران بزرگترین مشکل موجود در شبکه‌های اجتماعی تخصصی داخلی را اطلاع رسانی نامناسب و نا شناخته بودن این شبکه‌ها اعلام کردند. بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی فارسی و اشتراک دانش کاربران آنها رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. میرزایی، رحیمی و مرادی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در تبادلات علمی بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه رازی کرمانشاه پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که تمام دانشجویان مورد مطالعه از شبکه‌های اجتماعی عمومی استفاده می‌کنند و استفاده از شبکه‌های اجتماعی در تبادلات علمی میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه رازی اثرگذار نیست. پژوهشگران در مطالعه‌ای که در مورد تمایل اعضا هیئت علمی به حضور در شبکه‌های علمی، نشان دادند که برخی از اعضای هیئت علمی هنوز تمایل چندانی برای حضور در این شبکه‌ها ندارند (مادهوسودان، ۲۰۱۶).

ناندز و بورگو نیز مطالعه را در شبکه علمی آکادمیا باهدف تعیین وضعیت استفاده از شبکه‌های علمی با اهداف علمی انجام دادند؛ آنها در مرحله اول پژوهش، به بررسی پروفایل کاربران شبکه آکادمیا در ۱۲ دانشگاه در شهر کاتالان پرداختند؛ مرحله دوم این پژوهش با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شد. این پرسشنامه‌ها توسط ۷۶۶ نفر از دانشجویانی که عضو شبکه آکادمیا بودند تکمیل شد. نتایج نشان داد که از دیدگاه این افراد بر اهمیت ترین کاربرد این شبکه اجتماعی به اشتراک گذاری مقالات و کم اهمیت ترین کاربرد آن، شغل یابی بوده است. دلایل حضور این افراد در شبکه آکادمیا به ترتیب، عبارت بودند از: تماس بودن با سایر محققان و انتشار نتایج تحقیقات و دنبال کردن نتایج تحقیقات دیگران (ناندز و بورگو، ۲۰۱۳). بررسی پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که؛ بیشتر پژوهش‌ها به توصیف رفتار کاربران شبکه‌های اجتماعی علمی پرداخته اند و تحلیل جامعی در این زمینه انجام نشده است و چرایی حضور یا عدم حضور پژوهشگران و اعضای هیئت علمی در شبکه‌های اجتماعی علمی بررسی نشده است.

پرسش‌های پژوهش

۱. اساتید علم اطلاعات و دانش شناسی در چه زمینه‌هایی در شبکه‌های اجتماعی علمی فعالیت می‌کنند؟
۲. از دیدگاه اساتید رشته علم اطلاعات و دانش شناسی فعالیت در شبکه‌های اجتماعی علمی چه الزاماتی را می‌طلبد؟

۳. اساتید رشته علم اطلاعات و دانش شناسی، برای فعالیت در شبکه‌های اجتماعی علمی با چه چالش‌های روبرو هستند؟

روش پژوهش

مطالعه حاضر یک مطالعه کیفی بود که به روش تحلیل محتوا انجام شد و به بررسی عمیق چالش‌های حضور اساتید رشته علم اطلاعات و دانش شناسی در شبکه‌های اجتماعی علمی پرداخت. روش اصلی گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختار یافته فردی بود. روش نمونه‌گیری هدفمند بوده و معیار اصلی پژوهشگر در خصوص تعداد مصاحبه‌ها، استفاده از مطلعین کلیدی، خود داده‌ها، طبقات، نظریه در حال ظهور و رسیدن به اشباع نظری بود. از روش تحلیل محتوا جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات و به موازات انجام مصاحبه‌ها استفاده شد (تحلیل همزمان) یادداشت‌ها چندین بار مطالعه گردید تا درک کلی از متن به دست آید؛ سپس متن خط به خط خوانده شد و کدگذاری سطح اول انجام شد و جملاتی که پاسخ سوال‌های مطرح شده در مصاحبه بودند مشخص گردید. سپس به مفاهیم اصلی این جملات یک مضمون داده شد. با مقایسه مضمون‌ها با یکدیگر فهرستی از مضمون‌های اصلی و زیر مضمون‌ها به دست آمد؛ در کدگذاری سطح دوم، فهرستی از مضمون‌ها و زیر مضمون‌ها مورد بازخوانی قرار گرفت. سپس مضمون‌های اصلی دارای معانی مشابه دسته‌بندی شدند و طبقات مشخص شد. جهت اطمینان از صحت و استحکام داده‌ها از طریق مرور نوشته‌ها توسط مشارکت‌کنندگان، تلفیق منبع داده‌ها تلفیق روش، تأیید کدگذاری توسط همکاران آشنا با تحقیق کیفی، کدها و دسته‌بندی کدهای مشابه و طبقات، نسخه نویسی مصاحبه‌ها در اسرع وقت، استفاده از نظرات همکاران از جمله این اقدامات بود. علاوه بر این، پژوهشگر مستندات تحقیق را به دقت مکتوب کرد تا امکان ارزیابی توسط ناظر خارجی فراهم شود. رضایت آگاهانه از همه مشارکت‌کنندگان جهت شرکت در مطالعه و ضبط مصاحبه‌ها اخذ گردید. به مشارکت‌کنندگان در مورد محرمانه ماندن داده‌ها و آزاد بودن آن‌ها برای شرکت در مطالعه یا ترک مطالعه در هر زمانی که خواسته باشند، اطمینان داده شد.

یافته‌ها و نتایج

در این پژوهش، از نمونه‌گیری هدفمند برای تعیین جامعه پژوهش استفاده شد. جامعه پژوهش، اعضای هیئت علمی رشته علم اطلاعات و دانش شناسی با سابقه حداقل ۳ سال فعالیت در دانشگاه‌های

کشور بودند. معیار ورود به مطالعه، عضویت در یکی از شبکه‌های اجتماعی علمی بود. از این رو در ابتدا با استفاده از نمونه گیری هدفمند، ۱۰ نفر مورد مصاحبه قرار گرفتند؛ سپس مصاحبه براساس طبقات پدیدار شده و ویژگی آنها برای رسیدن به اشباع در درون طبقات به صورت نمونه گیری نظری دنبال و هدایت شد. براساس داده‌های حاصل از تحقیق، طبقات، ویژگی‌های خاص پدیدار شده در هر کدام از طبقات و نیاز به اشباع در درون طبقات، نمونه گیری نظری از ۴ مورد دیگر نیز صورت گرفت. به طور کلی مصاحبه با هر مشارکت کننده، بسته به میزان اطلاعات و علاقه‌مندی آنها به ادامه مصاحبه انجام شد و همه مصاحبه‌ها در یک جلسه و بین ۲۰ تا ۶۰ دقیقه و به طور میانگین حدود ۳۸ دقیقه بود. قابل ذکر است هر کدام از این افراد معرفی افراد دیگر می‌شدند.

مشخصات مشارکت کنندگان پژوهش، در جدول ۱ قابل مشاهده است.

جدول ۱- ویژگی‌های فردی مشارکت کنندگان

ردیف مشارکت کنندگان	جنسیت	نوع دانشگاه	درجه استادی	سابقه خدمت (سال)	سن
۱	زن	آزاد	مربی	۸	۴۱
۲	زن	دولتی	استادیار	۱۲	۴۵
۳	زن	دولتی	استادیار	۱۴	۴۴
۴	زن	دولتی	دانشیار	۲۲	۵۹
۵	زن	آزاد	استاد	۶	۴۲
۶	زن	آزاد	استادیار	۸	۴۶
۷	زن	دولتی	استادیار	۱۲	۵۲
۸	زن	دولتی	استادیار	۸	۴۷
۹	مرد	غیر انتفاعی	دانشیار	۱۸	۶۰
۱۰	مرد	آزاد	دانشیار	۱۵	۴۵
۱۱	مرد	پیام نور	استادیار	۴	۳۹
۱۲	مرد	آزاد	دانشیار	۵	۳۸
۱۳	مرد	پیام نور	استادیار	۱۴	۵۲
۱۴	مرد	دولتی	استاد	۳۳	۶۶
جمع	۱۴				

بر اساس داده‌های جدول، در این پژوهش از تعداد ۱۴ مشارکت کننده، تعداد ۸ نفر زن و ۶ نفر مرد بودند. سن افراد مورد مطالعه بین ۳۸ تا ۶۶ سال با میانگین سنی ۴۱/۸ و میانگین سابقه کاری آنها ۱۲/۷ بود.

جدول ۲- مفاهیم، مقولات استخراج شده از داده‌های خام در باره زمینه‌های فعالیت در شبکه‌های اجتماعی

طبقه (مقوله)	طبقه فرعی	مفهوم	نمونه مصاحبه‌ها
زمینه‌ها	تعامل ارتباطی	اطلاع از وضعیت رشته آشنایی با مباحث رو آشنایی با اساتید جستجوی همکاری	من به عنوان یک استاد وظیفه خودم می‌دانم که اطلاعاتم را در زمینه وضعیت رشته، تحقیقات، پژوهشگران و افراد موثر به روز نگه دارم. من با فعالیت در شبکه‌های اجتماعی علمی از مباحث روز رشته مطلع می‌شوم. عضویت در شبکه‌های اجتماعی موجب می‌شود با اساتید سایر دانشگاه‌ها در داخل و خارج کشور ارتباطم را حفظ کنم. از طریق شبکه‌های اجتماعی زمینه همکاری با سایر اساتید و پژوهشگران ایجاد می‌شود.
	جستجوی دانش	جستجوی مقالات، جستجوی پایان نامه‌ها، جستجوی طرح‌های پژوهشی، اطلاع از رویدادها، طرح سوال، موضوع یابی	من برای اطلاع از مقالات و مباحث جدید علمی عضو شبکه‌های اجتماعی هستم. من برای اطلاع از پایان نامه‌ها، طرح‌های پژوهشی و اطلاع از رویدادهای علمی در این شبکه‌ها فعالیت می‌کنم. برای یافتن موضوعات پژوهشی و مباحث علمی به شبکه‌های اجتماعی مراجعه می‌کنم
	اشتراک دانش	بارگذاری مقالات افزایش مشاهده پذیری معرفی رشته شرکت در بحث‌های علمی، رشد رشته ارتقاء فردی، ارتقاء دانشگاه بازیابی با موتور جستجو	با بارگذاری مقالات در شبکه‌های اجتماع علمی، مشاهده پذیری مقاله بیشتر می‌شود. حضور اساتید در شبکه‌های اجتماعی علمی و شرکت آنها در بحث‌های علمی، موجب رشد و شناخته شدن رشته و افراد می‌شود. مقاله‌های منتشر شده در این شبکه‌ها از طریق موتورهای جستجو راحت تر بازیابی می‌شوند.

همان گونه که اطلاعات جدول نشان می دهد؛ اطلاع از وضعیت رشته، آشنایی با مباحث روز، آشنایی با اساتید، جستجوی همکاری، اطلاع از دیدگاه سایرین، حضور در جامعه علمی، جستجوی مقالات، جستجوی پایان نامه ها، جستجوی طرح های پژوهشی، اطلاع از رویدادها، طرح سوال، موضوع یابی، افزایش مشاهده پذیری، معرفی رشد رشته، ارتقاء افراد، ارتقاء دانشگاه، بازبایی مقالات با موتور جستجو از جمله زمینه های فعالیت اساتید در شبکه های اجتماعی علمی است.

جدول ۳- مفاهیم، مقولات استخراج شده از داده های خام در باره الزامات فعالیت در شبکه های اجتماعی

	<p>مهارت مدیریت دانش شخصی</p>	<p>افزایش مهارت های مدیریت دانش مهارت های اشتراک دانش مدیریت اطلاعات شخصی مهارت بازبایی اطلاعات</p>	<p>برای فعالیت در شبکه های اجتماعی علمی لازم است توانایی مدیریت دانش را در خودمان تقویت کنیم قبل از ورود به شبکه های مجازی یک استاد باید در زمینه اشتراک دانش علاقه و تبحر لازم را داشته باشد. ذخیره و سازماندهی اطلاعات شخصی در شبکه های اجتماعی بازبایی اطلاعات را آسان تر می کند. شبکه های اجتماعی علمی اطلاعات مفیدی را در اختیار عضا قرار می دهند به شرط آن که روش های بازبایی این اطلاعات را بلد باشیم. لروما همه مطالب موجود در شبکه های اجتماعی عالی نیستند باید مطالب موجود در این شبکه ها ارزیابی و تجزیه و تحلیل شوند.</p>
<p>الزامات</p>	<p>حمایت دانشگاه تشخیص اطلاعات صحیح و کارآمد تجزیه و تحلیل دانش فعالیت تشکل های علمی</p>	<p>معرفی شبکه های اجتماعی علمی معرفی مقررات و قوانین برگزاری کارگاه آموزشی اختصاص فرصت مطالعاتی تعریف اپلیکیشن مناسب</p>	<p>برای این که اساتید از این شبکه ها استفاده کنند لازم است این شبکه ها و قوانین و مقررات مربوط به آنها معرفی و شناسانده شوند. اساتید هم به بازآموزی نیاز دارند؛ چه اشکالی دارد کارگاه های آموزشی در زمینه روش های فعالیت در این شبکه ها برای اساتید برگزار شود. باید به اساتید فرصت های مطالعاتی داده شود تا بتوانند از این فرصت برای فعالیت های علمی و پژوهشی و نیز فعالیت در شبکه های اجتماعی استفاده کنند. امروزه هر کس یک تلفن همراه دارد که بیشتر کارهایش را با آن انجام می دهد، اگر اپلیکیشن شبکه های اجتماعی روی تلفن همراه نصب شود بهتر می شود در این شبکه ها فعالیت کرد.</p>

<p>قبل از حضور در مجامع علمی خارج از کشور باید زیر ساخت آن یعنی <u>تشکل‌های علمی داخلی</u> دانشگاه‌ها درست شود.</p> <p>باید در این زمینه <u>همایش و سمینارهای مختلفی</u> برگزار شود و اهمیت آن مشخص شود.</p> <p>دانشگاه می تواند همه اساتید را در این شبکه‌ها عضو کند تا آنها را تشویق به فعالیت کند.</p> <p>اساتید می توانند تجربیات خودشان را از فعالیت در شبکه‌های اجتماعی به صورت مستند در سایت‌ها و مجلات علمی بیان کنند.</p> <p>باید اساتید فعال در شبکه‌های اجتماعی معرفی و از سوی دانشگاه مورد تشویق قرار بگیرند.</p> <p>این که عضو شبکه‌های اجتماعی علمی بشویم خوب است ولی ما حتی شبکه اجتماعی علمی مناسبی در داخل کشور خودمان نداریم.</p> <p>باید سیاست جذب استاد به سمت کیفیت برود.</p> <p>دانشگاه نباید بر اساس تعداد مقاله و بعد کمی اساتید را رتبه بندی کند باید رتبه بندی بر اساس تاثیرگذاری اساتید و کیفیت فعالیت آنها باشد.</p>	<p>حمایت از تشکل‌های علمی</p> <p>برگزاری همایش</p> <p>انجام فرایند عضویت</p> <p>معرفی اساتید فعال، مستند سازی تجربیات</p> <p>گسترش و ایجاد شبکه‌های اجتماعی علمی داخلی</p> <p>تغییر در سیاست‌های جذب هیئت علمی، تغییر در سیاست‌های رتبه بندی دانشگاه‌ها و اساتید</p>	<p>حمایت دولت</p>
--	--	-------------------

از دیدگاه جامعه پژوهش، فعالیت در شبکه‌های اجتماعی علمی الزاماتی را می طلبد که عبارتند از: مهارت‌های مدیریت دانش، مهارت‌های اشتراک دانش، مهارت مدیریت اطلاعات شخصی، مهارت بازیابی اطلاعات، تشخیص اطلاعات صحیح و کارآمد و مهارت‌های تجزیه و تحلیل دانش و نیز فعالیت‌هایی شامل (معرفی شبکه‌های اجتماعی علمی، معرفی مقررات و قوانین، برگزاری کارگاه آموزشی، اختصاص فرصت مطالعاتی، تعریف اپلیکیشن مناسب، حمایت از تشکل‌های علمی، برگزاری همایش، انجام فرایند عضویت، معرفی اساتید فعال، مستند سازی تجربیات، گسترش و ایجاد شبکه‌های اجتماعی علمی داخلی، تغییر در سیاست‌های جذب هیئت علمی و تغییر در سیاست‌های رتبه بندی دانشگاه‌ها و اساتید.

جدول ۴- مفاهیم، مقولات استخراج شده از داده‌های خام در باره چالش‌های فعالیت در شبکه‌های اجتماعی

<p>متأسفانه در ایران تعداد اساتید نسبت به تعداد دانشجویان خیلی کم است و استاد کمتر می‌تواند به فعالیت‌های علمی بپردازد.</p> <p>هر سال تعداد دانشجویان و دوره‌های آموزشی دانشگاه افزایش می‌یابد و یک استاد موظف است به دانشجویان مقاطع مختلف درس بدهد.</p> <p>رشته کتابداری موضوعات مختلفی را پوشش می‌دهد و گستردگی مباحث درسی تمرکز استاد را در یک مبحث یا موضوع خاص از بین می‌برد.</p> <p>ما هر چند سال یک بار با تغییراتی در سرفصل دروس مواجه می‌شویم و نمی‌دانیم عملاً کدام مباحث علمی را باید دنبال کنیم.</p> <p>شبکه‌های اجتماعی خارج از کشور را زیاد نمی‌شناسم. فقط دو شبکه هعلمی را می‌شناسم و در آن عضو هستیم.</p> <p>من زیاد در شبکه‌های اجتماعی فعال نیستم چون آنها قوانین و مقررات خاص خودشان را دارند و برای فعالیت در این شبکه‌ها لازم است از قوانین آن آگاه باشیم.</p> <p>عضویت در شبکه‌های اجتماعی علمی خوب است ولی من اطلاع چندانی از قابلیت‌ها و امکانات آنها ندارم و فقط عضو هستم اما فعالیتی ندارم.</p>	<p>کمبود تعداد اساتید</p> <p>افزایش دوره‌های آموزشی</p> <p>گستردگی موضوعات آموزشی، گستردگی دوره‌های آموزشی،</p> <p>تغییرات سرفصل‌های دروس</p> <p>ناآشنایی با شبکه‌های اجتماعی علمی ناآشنایی با مقررات و قوانین</p> <p>عدم آگاهی از نرم افزارها و قابلیت‌ها</p>	<p>کمبود وقت</p> <p>عدم آگاهی و مهارت</p>	<p>چالش‌ها</p>
--	--	---	----------------

مشارکت کنندگان، از وجود موانعی را برای فعالیت در شبکه‌های اجتماعی علمی برشمردند که عبارتند از: کمبود تعداد اساتید، افزایش دوره‌های آموزشی، گستردگی موضوعات آموزشی اساتید،

تغییرات سرفصل‌های دروس، ناآشنایی با شبکه‌های اجتماعی علمی، ناآشنایی با مقررات و قوانین شبکه‌های اجتماعی و عدم آگاهی از قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی علمی.

بحث و نتیجه گیری

نقطه تمایز این پژوهش را با دیگر پژوهش‌های انجام شده در این حوزه می‌توان در به کار گیری روش کیفی دانست؛ مضمون‌هایی که از داده‌های این مطالعه ظهور یافته اند همگی پیرامون دیدگاه اعضای هیئت علمی علم اطلاعات و دانش‌شناسی پیرامون شبکه‌های اجتماعی علمی و بر اساس اهداف مطالعه یعنی توصیف دیدگاه‌های اساتید در باره زمینه‌ها، الزامات، چالش‌های موثر بر فعالیت در شبکه‌های اجتماعی بود.

داده‌ها نشان داد که فعالیت در شبکه‌های اجتماعی علمی زمینه‌های گوناگونی را شامل می‌شود؛ به این صورت که اساتید می‌توانند با توجه به هدف و انگیزه خود در زمینه‌های گوناگونی به فعالیت در این شبکه‌ها بپردازند و از مزایای حور در این فضای تعلیمی استفاده کنند. این در حالی است که بر خلاف شبکه‌های اجتماعی علمی، حضور در شبکه‌های اجتماعی عمومی، بیشتر با قصد سرگرمی و تفریح انجام می‌شود. نتایج پژوهش یعقوبی ملال، ریاحی نیا و کیان (۱۳۹۴) هدف اصلی اکثر دانشجویان در پیوستن به این شبکه‌ها، تفریح و سرگرمی است. در همین زمینه، میرزایی، رحیمی و مرادی (۱۳۹۵) در یافتند که تمام دانشجویان مورد مطالعه از شبکه‌های اجتماعی عمومی استفاده می‌کنند و استفاده از شبکه‌های اجتماعی در تبادلات علمی میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه رازی اثرگذار نیست و این در حال است نتایج در همین راستا، نتایج پژوهش ناندز و بورگو، نشان داد که از دیدگاه این افراد پر اهمیت ترین کاربرد این شبکه اجتماعی به اشتراک گذاری مقالات و کم اهمیت ترین کاربرد آن، شغل یابی بوده است. دلایل حضور این افراد در شبکه آکادما به ترتیب، عبارت بودند از: در تماس بودن با سایر محققان و انتشار نتایج تحقیقات و دنبال کردن نتایج تحقیقات دیگران (ناندز و بورگو، ۲۰۱۳).

اساتید برای انجام فعالیت‌های خود به حمایت دانشگاه‌های تابعه خود نیازمند هستند؛ این حمایت گاهی به صورت ارائه آموزش‌های لازم و گاهی به صورت دسترس پذیر ساختن امکانات و نرم افزارها و گاهی به صورت دادن امتیاز و تشویق‌های معنوی و مادی به اساتید صورت می‌گیرد. چگونگی سازماندهی، اشتراک و به کارگیری دانش؛ نیازمند مهارت‌هایی است که مشارکت کنندگان پژوهش، آن را شامل: سواد فناوری اطلاعات، مهارت‌های اشتراک دانش، مهارت‌های ارتباط حرفه‌ای، مهارت بازیابی اطلاعات،

مهارت سنجش و ارزیابی دانش، تجزیه و تحلیل دانش، دانسته اند و این مهارت‌ها را از الزامات اصلی فعالیت در شبکه‌های اجتماعی علمی می‌دانند. در یک نگاه کلی می‌توان این مهارت‌ها را مهارت‌های مدیریت دانش شخصی دانست. زوهانگ معتقد است که مدیریت دانش شخصی مجموعه‌ای از مهارت‌های حل مسئله است که اجزای مفهومی، منطقی یا عملی دارد (زوهانگ، ۲۰۱۳). پژوهش یعقوبی ملال، ریاحی نیا و کیان (۱۳۹۴) نیز نشان داد؛ دانشجویان از امکانات و ویژگی‌های منحصربه‌فردی که این شبکه‌ها دارند بی‌اطلاع هستند یا تمایلی به استفاده از آن‌ها ندارند. از آنجا که بیشتر دانشگاه‌های کشور دولتی هستند و علاوه بر این دولت با استفاده از دو وزارتخانه متولی آموزش عالی در کشور، ساز و کارهای قانونی و اجرایی دانشگاه‌ها را هدایت می‌کند؛ از نقش تاثیرگذار دولت در هدایت اساتید به سمت فعالیت در شبکه‌های اجتماعی نمی‌توان غفلت ورزید.

مشارکت کنندگان معتقدند؛ استفاده از شبکه‌های اجتماعی علمی با مشکلاتی مواجه است که باید برطرف شود. این در حالی است که براساس داده‌ها، اساتید، اغلب درگیر امور آموزشی بوده و زمان کمتری را به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی به طور کلی و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی علمی به طور ویژه اختصاص می‌دادند. چنانچه برخی اساتید علی‌رغم عضویت در شبکه‌های اجتماعی فرصت فعالیت در این شبکه‌ها را نداشتند. حریری و عنبری (۱۳۹۴) نیز، بزرگ‌ترین مشکل کاربران در شبکه‌های اجتماعی تخصصی داخلی را اطلاع‌رسانی نامناسب و ناشناخته بودن این شبکه‌ها اعلام کردند. نتایج پژوهش مدهوسودان (۲۰۱۶) نیز نشان داد که اعضای هیئت علمی تمایل چندانی برای حضور در شبکه‌های اجتماعی علمی ندارند که می‌توان آن را با چالش‌های حضور در شبکه‌های اجتماعی علمی مرتبط دانست.

پیشنهادات کاربردی

بنابر یافته‌های پژوهش مهارت مدیریت دانش شخصی در فعالیت در شبکه‌های اجتماعی علمی تاثیرگذار است، لذا بایستی اعضای هیئت علمی، ضمن درک نیاز روزافزون حضور در جوامع علمی مجازی، بر افزایش مهارت‌های خود در زمینه مدیریت دانش شخصی اهتمام ورزند. پیشنهاد می‌شود؛ دولت با استفاده از اهرم قوانین و مقررات زمینه حضور بیشتر اعضای هیئت علمی را در شبکه‌های اجتماعی علمی فراهم آورد.

حمایت از تشکل های علمی مانند انجمن های علمی دانشگاهی در زمینه برگزاری همایش ها و کارگاه های علمی و همچنین پشتیبانی نرم افزاری با ایجاد ساز و کارهای مناسب، در این زمینه پیشنهاد می شود.

بنابر یافته های پژوهش، آموزش و اطلاع رسانی در زمینه استفاده از شبکه های اجتماعی علمی موجب افزایش فعالیت در این شبکه ها می شود؛ بنابراین پیشنهاد می گردد؛ کارگاه های آموزشی در زمینه شبکه های اجتماعی علمی برای اعضای هیئت علمی برگزار شود.

منابع

حریری، نجلا و عنبری، امیرمهدی. (۱۳۹۱). سنجش قابلیت های شبکه های اجتماعی تخصصی وبی فارسی و ارائه راهکارهای مناسب برای بهینه سازی این شبکه ها در ایران. *پژوهش نامه پردازش و مدیریت اطلاعات*، ۲۸(۲)، ۴۷۷-۴۵۵.

میرزایی، مریم؛ رحیمی، صالح؛ و مرادی، محمود. (۱۳۹۵). بررسی نقش شبکه های اجتماعی در تبادلات علمی (مطالعه موردی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه رازی). *کتابداری و اطلاع رسانی*، ۱۹(۱)، ۱۰۸-۱۳۰.

یعقوبی ملال، نیما، نصرت ریاحی نیا و مرجان کیان (۱۳۹۴). واکاوی نقش و کاربرد شبکه های اجتماعی برای دانشجویان. *مجموعه مقالات همایش ملی شبکه های اجتماعی مجازی بستری برای آموزش و یادگیری*. تهران، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۴، دانشگاه علامه طباطبائی

Boyd DM & Ellison NB(2007). Social network sites: Definition, history, and scholarship. *Journal of Computer-Mediated Communication* ; 13(1): 210-30.

Li, Xueme, Thelwall, Mike and Giustini, Dean. (2012). Validating Online Reference Managers for Scholarly Impact Measurement. *Scientometrics*, 91(2), 461-471.

MacMillan D.(2012) Mendeley: Teaching scholarly communication and collaboration through socialnetworking. *Library Management*; 33(8-9): 561-9.

Madhusudhan, M. (2012). Use of social networking sites by research scholars of the University of Delhi: A study. *The International Information & Library Review*44(2),100-113.

Nández, G., & Borrego, Á. (2013). Use of social networks for academic purposes: a case study. *Electronic Library*, 31(6), 781-791.

Scott, John.(2006).*Sociology-The key concepts*.London : Routledge.

Strauss, A., & Corbin, J. (2003). *Basics of qualitative research: techniques And procedures for developing Grounded Theory* (2nd ed.), Thousand Oaks, CA: Sage Publication.

Thelwall, Mike & Kousha, Kayvan. (2013). Academia.edu: Social Network or Academic Network? *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 65(4), 721-731.

Zhuang, Shuying.(2013). Personal Knowledge Management and Mlearning in the Learning Society. *International Conference on Science and Social Research*,101-105.